

در آسایشگاه جانبازان سلمان فارسی شیراز چه خبر است؟

زندگی زیر سقف کانتینر



زندگی یک جانباز در یک کانتینر کوچک که زمانی از آن به‌عنوان انباری در آسایشگاهی واقع در شیراز استفاده می‌شد، باعث کش‌وقوس‌های فراوانی شده است. این جانباز چنین می‌گوید که برخورد آنها در آسایشگاه مثل این بود که قرار است فردی خطرناک را دستگیر کنند و باید او را به سزای اعمالش برسانند؛ درحالی‌که یک جانباز با وجود سختی‌هایی که چند دهه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و حالا ویلچر نشین است، چه خطری می‌تواند داشته باشد؟ ادامه مطلب به جزئیات می‌پردازد. «علیرضا بابایی»، جانباز قطع نخاعی ۷۰ درصد، در ارتباط با آنچه رخ داده است، به «شرق» می‌گوید: «حدود دو سال است که از روی اجبار و ناچاری در کانتینری واقع در آسایشگاه و مرکز توانبخشی جانبازان قطع نخاعی «سلمان فارسی» بل غدیر زندگی می‌کنم که اگر مجبور نبودم، این‌گونه با وجود برخورد‌های نامناسب برخی مسئولان و مشکلات فراوان در کانتینر‌نمور و نامناسب زندگی نمی‌کردم. هر بار هم به مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس که اصرار به تخلیه کانتینر دارند، گفته‌ام که جز اینجا جایی برای زندگی ندارم و باید در خیابان زندگی کنم. پدر و مادرم فوت شده‌اند و من تنها زندگی می‌کنم. از آنها فرصتی خواستم که برای اندیشیدن چاره‌ای، فرصت بیشتری دهند اما آقایان نسبت به عملیاتی‌شدن دستورشان در حداقل زمان ممکن و نامناسب اصرار زیادی داشتند.



سمیه جاهدعطانیان

بگیر و ببند‌های چندین‌ساعته برای قانع‌کردن یک جانباز

این جانباز دفاع مقدس از روی ناراحتی این‌طور می‌گوید که این کانتینر ۴۰متری، در لواسان یا قصددشت شیراز نیست، در جنوب شهر شیراز و حتی بدتر از حاشیه‌نشینی در اطراف تهران است؛ «اصرار آقایان مسئول به کش‌وقوس‌های فراوانی منجر شد؛ به‌طوری‌که افرادی از حراست بنیاد در روز ۱۷ فروردین به شیوه غیرانسانی و عجیب درصدد بستن درها و قطع امکاناتی مانند آب و برق کانتینر برآمده و رفتار ناخوشایندشان در آسایشگاهی که به امنیت و سکوت نیاز دارد، باعث بی‌نظمی، ترس، رعب و وحشت دیگر جانبازان شده بود. آنها درهای مرکز توانبخشی را هم بسته و با گفتن این جمله که درحال حسابرسی از مرکز هستیم، اجازه ورود یا خروج به هیچ جانبازی را به داخل مجموعه و مرکز نمی‌دادند. این اقدامات با توجه به سوابق تاریخی و تلخ سال‌های گذشته، منجر به سرگردانی، نگرانی و ترس جانبازان بلاتکلیف در پشت درهای بسته شده بود که برای انجام کارهای درمانی ضروری به آسایشگاه آمده بودند.

تمام این بگیر و ببند‌های چندین‌ساعته و نفس‌گیر برای بستن درهای یک کانتینر به روی جانباز ویلچر‌سواری بوده که از روی ناچاری به زندگی در آن تن داده است؛ «همان‌جا به آقایان گفتم که اگرچه حق این‌کار را ندارند اما اگر آب و برق کانتینر را قطع کنند، مجبور می‌شوم شب‌ها در تقاطع غیرهمسطح غدیر ریز پل یا در خیابان بخوابم. آنها درنهایت تعهدی گرفتند که باید تا ۲۰ روز دیگر کانتینر را تخلیه کرده و تحویل دهم. این نامه را به خاطر برگشتن آرامش به آسایشگاه و پیش‌نیامدن

هرگونه درگیری امضا کردم، درحالی‌که تدارک جای مناسب برای زندگی در این شرایط با وجود تنهاییبودن و داشتن موانع بی‌شمار بسیار دشوار است. چند سال پیش به‌سختی واحد تمام‌می را پیش‌خرید کردم که هنوز آماده نشده و مجبور به اجاره خانه کوچکی شدم که شخص نیست باید چطور در آن زندگی کنم. اما به‌رحال تا اوایل اردیبهشت باید کانتینر را تخلیه کنم».

افشای ناگهانی سکونت یک جانباز ضایعه نخاعی در کانتینر

«بابایی»، جانباز ضایعه نخاعی ۷۰درصدی، در پاسخ به سؤالاتی مبنی بر اینکه علت اصلی مخالفت بنیاد چه بوده، چه مدت در این کانتینر زندگی کردید و در گذشته نیز نسبت به حضور دائمی‌تان در کانتینر حساسیتی وجود داشته است، می‌گوید: «اوایل شیوع کرونا که نگرانی را ترس از انتقال بیماری شدید بود، از روی اجبار به این کانتینر آمدم؛ چون تردد در مرکز بالا بود و خطرات زیادی وجود داشت. جانبازان برای انجام کارهای درمانی و پانسمان به آسایشگاه می‌آمدند و فقط من باید به‌صورت دائمی و شبانه‌روزی ساکن می‌شدم. درواقع داخل آسایشگاه برای ماندن شبانه‌روزی مناسب نیست؛ حتی این کانتینر که باعث حساسیت شده هم در شان زندگی یک جانباز و حتی زندگی یک فرد عادی نیست. آقایان خودشان هم نسبت به این مسئله اشرف داشته و اقرار کردند که زندگی من در اینجا مسئولان را به چالش می‌کشاند، به همین خاطر در گذشته و در این مدت، زمان ملاقات یا بازدید مسئولان، ماجرای سکونت‌م در کانتینر مخفی شد اما حالا علت برخورد ناگهانی و ناشایست با این موضوع مشخص نیست».

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی چون برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۲۵۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ و ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۱۴۱۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ منضم به نامه شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۲۵۶۳مورخ۱۴۰۱/۱۱/۱۶موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه آقای محمدجعفر زارع فرزند علی بشماره شناسنامه ۵۶ متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۱۴۴۰۰۰۴۴نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۰/۱/۸۵ متر مربع در قسمتی از قطعه ۲۴ تفکیکی صورتمجلس تفکیکی ۶۲ مورخ ۱۳۴۶/۳/۲ پلاک ۲۵۵ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران انتقالی از حیدرقلی تیموری محرز شده است و پلاک ۴/۲۵۵ سابقه ثبت در ذیل صفحه ۳۲۷ دفتر املاک جلد ۴۱۹ دارد . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام آقای محمد جعفر زارع صادر خواهد شد. م الف ۱۶۴۰۰ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت	
--	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۱۱۲۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سارا امجدیان فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۲۰۲۶ صادره از سنقر در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۷۴/۹۴ متر مربع در قسمتی از پلاک ۸۷۸۸ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۳۶ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقایان خلیل احمدی و ابوالفضل جودی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف ۱۶۴۰۱ رئیس ثبت اسناد و املاک رودکی	
--	--

محدودیت‌هایشان بیشتر شده است. برای نمونه مجتمع ایثار با ۱۸ هزار متر زیربنا از ابتدا برای توانبخشی جانبازان در نظر گرفته شده بود، درحالی‌که این مجتمع برای کلاس‌هایی از شاخه‌های بدنسازی و ورزشی به‌صورت خصوصی اجاره داده شده و امکان اسکان یا توانبخشی جانبازان در این مرکز وجود ندارد. حتی مرکزی به نام شهید مازندرانی متعلق به جانبازان نیز سال‌ها قبل تعطیل شد».

آسایشگاه سلمان فارسی اتاق پانسمان ندارد

«محمدحسین محمدی»، جانباز ۷۰ درصد دیگری که برای پیگیری کارهای درمانی به مرکز توانبخشی سلمان فارسی در رفت‌وآمد است، به خبرنگار «شرق» می‌گوید: «دی‌ماه سال پیش دچار عفونت شدید بدن شدم و فقط با پارتی و آشنابازی توانستم در بیمارستان «مسلمین»، تنها بیمارستان متعلق بنیاد، بستری و عمل شوم. پزشکان قطع امید کردند اما به‌رحال زنده هستم و نجات پیدا کردم. زخم‌های شکمم هنوز باز است و حدود سه ماه است باید برای انجام کارهای پانسمانی به آسایشگاه سلمان فارسی مراجعه کنم اما اینجا اتاق پانسمان و محیط مناسب یا مجزایی برای این کار ندارد و تمام اقدامات در یک سالن انجام می‌شود».

مسئولان با مدرک پزشکی از مشکلات جانبازان بی‌خبرند

این جانباز چنین می‌گوید: ما روزی با داشتیم و سلامت بودیم، مادرزادی فلج یا ضایعه نخاعی نشدیم. «حدود سه بار به خاطر کیفیت بد غذا و زیر طقق آن، در آسایشگاه سلمان فارسی دچار مسمومیت غذایی شدم، همه جانبازان نسبت به کیفیت بد غذا اعتراض دارند. درهای آشپزخانه مرکز را بستند و غذا را از محل



دیگری که غذای بیمارستانی را طبخ می‌کنند، می‌آورند که حدود نیم‌ساعت تا ۴۰ دقیقه طول می‌کشد تا به مرکز برسد و همیشه غذا سرد و بدون کیفیت است. «شاه‌چراغی»، معاون بهداشت و درمان استان فارس، بعد از اعتراض نسبت به کیفیت غذا چنین پاسخ دادند که «غذای بیمارستانی همین است. می‌خواهی بخور می‌خواهی نخور»، درحالی‌که به آنها گفتیم بیمارستان هم غذای رژیمی می‌دهند. اگرچه فضای آسایشگاه مناسب‌سازی شده اما وضعیت سرویس بهداشتی و حمام مرکز بسیار نامناسب است و بوی نامطبوع، فاضلاب و... تمام محیط سالن را پر کرده است. ما از مسئولانی که مدرک پزشکی دارند انتظار داریم به مرکز ما سر بزنند تا بداند دردها و مشکلاتمان چیست، نه اینکه با پاسخ‌های سربالا و نادرست ما را توجیه کنند».

«محمدی»، جانباز، با اشاره به مشکلات دیگر و نبود پوشش درمانی و بیمه‌ای مناسب ادامه می‌دهد: «درحال‌حاضر به جانبازان مراقب و پرستار نمی‌دهند و هزینه‌ها آن‌قدر بالا و سرسام‌آور است که توان و امکان گرفتن پرستار وجود ندارد. باز هم باید عمل جراحی شوم و به مراقبت نیاز دارم. جراحی یا ویزیت‌های پزشکی که در مراکز به‌جز مرکز وابسته به بنیاد شهید انجام می‌شود، به‌صورت خصوصی بوده و هزینه‌های زیادی دارد. هنوز مشخص نیست جراحی دیگر چقدر تمام می‌شود. نگرانی از هزینه‌ها برای ما جانبازان همیشگی شده است. همچنین از روی ناچاری حدود ۲۵ میلیون تومان برای گرفتن پرستار هزینه کردم که مشخص نیست هزینه‌ها باید چگونه جبران و تامین شوند. مسئولان از دردهای ما اطلاعی ندارند و ما را نادیده می‌گیرند».

اخبار روز

۳۰ میلیارد تومان برای درمان هموفیلی‌ها

او درباره درمان هموفیلی‌های مبتلا به هیابت‌C یا مقاوم به درمان نیز گفت: درمان این بیماران در سال‌های گذشته انجام شده و مکاتباتی نیز برای شناسایی موارد جامانده و لکه‌گیری انجام شده است. علیرضایی در ادامه درباره وضعیت برنامه درمان پروفیلاکسی یا پیشگیری از بروز خونریزی بیماران هموفیلی که چندسالی است از سوی وزارت بهداشت انجام می‌شود، گفت: از سال ۱۳۹۵ تاکنون برای بیماران کمتر از ۱۵ سال و مواردی که پزشک درمانگر پروفیلاکسی را ضروری بداند، این نوع درمان انجام می‌شود. او گفت: پروفیلاکسی یا داروی جدید همیلیرا نیز که به‌صورت زیرجلدی و هفتگی تا ماهانه تجویز می‌شود، پس از تعیین قیمت از سوی سازمان غذا و دارو و پوشش بیمه‌ای آن، به‌زودی آغاز خواهد شد.

هشدار به مالکان ساختمان‌های نایمن

اردیبهشت جمع‌بندی می‌کنیم و مالکانی را که همکاری نکرده‌اند، به دادسرا معرفی خواهیم کرد. محمدی با اشاره به به‌کارگیری بانوان آتش‌نشان هم گفت: هفته گذشته تمرینات عملیات شبانه بانوان آتش‌نشان به پایان رسید و به‌این‌ترتیب در ایستگاه‌های آتش‌نشانی مستقر خواهند شد.

قیمت ۱۰۰ میلیونی داروهای شیمی‌درمانی

در آلمان هرساله محموله‌ای را به ایران هدیه می‌دهد اما این دارو مدت‌هاست که تنها در اختیار دلال‌های دارو است و به شکل دولتی توزیع نشده. وجود داروهای هندی در بازار نیز این‌رو است که سازمان غذا و دارو مناقصه برگزار می‌کند و هر شرکتی که اعلام کند می‌تواند با قیمت پایین‌تری دارو وارد کند، موفق می‌شود در مناقصه برنده شده و ارز دولتی بگیرد. از همین‌رو است که شرکت‌ها سراغ داروهای ارزان هندی و درنهایت

ترکی می‌روند. دولت خود به‌خوبی می‌داند که داروی هندی اثربخشی لازم را ندارند اما چون ارز‌بری کمتری دارند و وزارت بهداشت هم ارزی برای تهیه داروهای خارجی و با کیفیت اختصاص نمی‌دهد، واردات آن انجام می‌شود. آن‌گونه که از شواهد برمی‌آید، نه‌تنها قرار نیست مشکل واردات دارو حل شود بلکه در ماه‌های آینده با کمبود داروهای تولید داخل به دلیل گران‌بودن و عدم دسترسی به مواد اولیه نیز مواجه خواهیم بود.



خبرآنلاین نوشت: «به‌جز وین‌بلاستین آلمانی و مجارستانی، قیمت سایر داروهای شیمی‌درمانی در بازار آزاد و آنچه در دست دلال است نیز بسیار زیاد و حتی باورنکردنی است. برای مثال قیمت غیردولتی هر آمپول «کیترودا/ Keytrud » بین ۵۰ تا ۹۰ میلیون تومان است. آمپول «انکاسپار/ oncaspar» با قیمتی ۷۵ تا صد میلیون به فروش می‌رسد. قیمت آمپول «ادستریس/ adacttris» نیز ۸۰ میلیون تومان است. سایر داروهای شیمی‌درمانی مانند پلینسیئو/ blincyto، نلارابین/ nelarabine بیس ۴۰ تا ۳۵ میلیون در بازار آزاد قیمت دارند.

قیمت بالای این داروها از آن‌رو است که داروهای شیمی‌درمانی با وارد نمی‌شوند یا واردات آنها به شکل محدود است که همان تعداد اندک در اختیار دلال قرار می‌گیرد. سازمان غذا و دارو، تحریم‌ها را علت واردنکردن دارو به کشور می‌داند، درحالی‌که دارو مشمول تحریم نیست. حتی شرکت تولیدکننده «وین‌بلاستین و وین‌کریستین»